



کاظم امامت

نگاهی کوتاه به ادله اثبات

سعید دینی



از سال ۱۴۸ ه.ق که امام صادق علیه السلام به شهادت رسید، بنا بر وصیت و نص پدر تا سال ۱۸۳ ه.ق عهده‌دار سرپرستی و امامت شیعیان گردید و دوران ۳۵ ساله امامتش در محیطی پراختناق و خفقان و همراه با تقیّه گذشت.

در روز یکشنبه هفتم ماه صفر سال ۱۲۸ و به قولی ۱۲۹ ه.ق در سرزمین ابواء (بین مکه و مدینه) کودکی به دنیا آمد که نام او «موسی» کنیّه شریفش «ابوالحسن» و لقب مشهورش «کاظم» و القاب دیگر آن حضرت، صابر، امین و عبد صالح بود.

او در سال ۱۸۳ ه.ق در زندان «سندی بن شاهک» بغداد به دستور هارون به شهادت رسید. پدر گرامی‌اش امام صادق علیه السلام، ششمین پیشوای شیعیان، رئیس مکتب تشیع و احیا کننده علوم نبوی بود و مادر ارجمند، عالمه و با فضیلتش، «حمیده» نام داشت.^۱

۱. اربلی، کشف الغمه، ج ۳، ص ۳، انتشارات نشر ادب الحوزه، کتابفروشی اسلامیه، با ترجمه علی بن حسین زوارنی؛ شیخ عباس قمی، منتهی الآمال، ج ۲، ص ۲۵، انتشارات جاویدان علمی، چاپ چهارم، ۱۳۷۱ ه.ش؛ مفید، تاریخ ارشاد، ج ۲، ص ۲۰۷، انتشارات علمیه اسلامیه، چاپ دوم، مترجم: سید هاشم رسولی محلاتی؛ کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۳۸۴-۳۸۵، انتشارات علمیه اسلامیه، مترجم: سید جواد مصطفوی.

دوران امامت آن حضرت با حکومت ۴ تن از خلفای ستمگر عباسی همراه بود که به ترتیب عبارتند از:

۱- منصور دوانیقی (۱۳۶-۱۵۸)؛

۲- محمد، معروف به مهدی (۱۵۸-۱۶۹)؛

۳- هادی (۱۶۹-۱۷۰)؛

۴- هارون (۱۷۰-۱۹۳)؛^۱

در چنین محیطی، حضرت موسی بن جعفر علیه السلام علاوه بر مسئولیت امامت و رهبری جامعه اسلامی، موفق به تربیت شاگردان زیادی گردید و با وجود اختناق حاکم، عده زیادی از دانشمندان و بزرگان شیعه از علم و دانش آن حضرت استفاده کردند و روایات زیادی را در زمینه‌های مختلف از آن بزرگوار نقل نمودند. کثرت روایات فقهی ایشان بعد از امام باقر و امام صادق علیه السلام مؤیدی بر این ادعا است.

ادلة امامت امام کاظم علیه السلام:

۱- نصوص:

امام کاظم علیه السلام مانند سایر ائمه معصوم علیهم السلام از دو نوع نص بر امامت

خویش برخوردار بود.

الف) نصوص عام؛ یعنی نصوصی که امامت همه ائمه را اثبات می‌کند.

ب) نصوص خاص؛ یعنی نصوصی که اختصاص به هر یک از ائمه دارد و در آن تصریح به امامت آن امام شده است.

در اینجا فقط به دو نمونه از نصوص خاص بر امامت امام موسی بن جعفر علیه السلام اشاره می‌کنیم:

۱- «عَنْ مُعَاذِ بْنِ كَثِيرٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ: أَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي رَزَقَ أَبَاكَ مِنْكَ هَذِهِ الْمَنْزِلَةَ أَنْ يَرْزُقَكَ مِنْ عَقِيكَ قَبْلَ الْمَمَاتِ مِثْلَهَا، فَقَالَ: قَدْ فَعَلَ اللَّهُ ذَلِكَ. قَالَ: قُلْتُ مَنْ هُوَ؟ جَعَلْتُ فِدَاكَ - فَأَشَارَ إِلَى الْعَبِيدِ الصَّالِحِ وَهُوَ رَاقِدٌ فَقَالَ: هَذَا الرَّاقِدُ - وَهُوَ غَلَامٌ -؛^۲ معاذبن کثیر گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: از خدایی که این مقام را به شما روزی کرده می‌خواهم که تا پیش از وفات [شما]

۱. مهدی پیشوایی، سیره پیشوایان، ص ۴۱۳، انتشارات توحید، چاپ اول، ۱۳۷۲ ه.ش.
۲. کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۸۲، انتشارات علمیه اسلامیة، مترجم: سیدجواد مصطفوی.

موسی بن جعفر علیه السلام عرض کردم: قربانت گردم، به چه چیز امام شناخته می شود؟ فرمود: به چند خصلت شناخته می گردد که اولی آنها اینست که از پدرش سخنی و اشاره‌ای درباره امامت او صادر شده باشد تا همان حجت و دلیلی باشد، و دیگر آنکه از او پرسش شود و او پاسخ گوید و اگر پرسش نشد، خود آغاز سخن کند، و به اینکه بتواند از فردا خبر دهد و با مردم به هر زبانی که دارند گفتگو کند. سپس فرمود: ای ابا محمد تا برنخاسته‌ای یکی از این نشانه‌ها را به تو نشان خواهم داد.

ابو بصیر می گوید: طولی نکشید که مردی از اهل خراسان وارد شد و به زبان عربی با آن جناب سخن گفت و موسی بن جعفر علیه السلام به فارسی پاسخش را داد. مرد خراسانی گفت: به خدا سوگند، اینکه من با شما به زبان فارسی گفتگو نکردم برای این بود که گمان کردم شما فارسی را خوب نمی دانی! حضرت فرمودند: سبحان الله، اگر من نتوانم به خوبی پاسخ تو را بدهم، پس برتری من بر تو در شایستگی منصب امامت چیست؟ سپس فرمودند: ای ابا

مانند آن را به نسل شما هم روزی کند. پس آن حضرت فرمود: خدا این کار را کرده است. عرض کردم: قربانت گردم، او کیست؟ اشاره به عبد صالح (از القاب امام موسی بن جعفر علیه السلام) کرد که خوابیده بود و فرمود: این خوابیده. و او در آن زمان کودک بود.»

۲- «عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَدَخَلَ أَبُو إِبْرَاهِيمَ عليه السلام وَهُوَ غَلَامٌ، فَقَالَ: اسْتَوْصِنْ بِرِوَضِعِ أُمْتَرَةٍ عِنْدَ مَنْ تَتَّقِي بِرَمْنِ أَصْحَابِكَ؛^۱

مفضل بن عمر می گوید: خدمت امام صادق علیه السلام بودم که ابو ابراهیم (موسی بن جعفر) علیه السلام وارد شد در حالی که او جوانی بود. امام علیه السلام فرمودند: وصیت مرا درباره این بپذیر [و بدانکه او امام است] و امر [امامت] او را با هر کدام از اصحابت که مورد اطمینان است در میان بگذار.»

۲- معجزات و کرامات:

یکی از راههای اثبات امامت، معجزه و کرامت است. در ذیل برای اثبات امامت امام موسی بن جعفر علیه السلام برخی از معجزات و کرامات آن حضرت را نقل می کنیم:

الف) «احمد بن مهران» از «ابی بصیر»

روایت کرده است که می گوید: به حضرت

باطن آن را مسح کنی و سه بار هر دو پارا تا کعبین بشویی.»

نوشته آن حضرت به «علی بن یقظین»

رسید و از پاسخ امام تعجب کرد، در عین حال گفت: مولای من به آنچه فرموده اعلم است و من امر او را امتثال می‌نمایم و طبق فرمایش امام علیه السلام عمل می‌کنم. در این زمان بدگویان نزد هارون بدگویی شدیدی از علی بن یقظین می‌کردند و می‌گفتند او رافضی است. با اینکه هارون بارها او را امتحان کرده بود، خواص خود را جمع نموده و در مورد وزیر خود به مشورت پرداخت. عده‌ای از آنان گفتند اگر صلاح می‌بینید او را با وضو گرفتنش در هنگام نماز امتحان کنید، زیرا روافض در وضو با ما اختلاف دارند و نسبت به ما عمل کمتری را انجام می‌دهند. هارون پذیرفت و تصمیم بر این شد که با این روش از مذهب «علی بن یقظین» مطلع گردد. او وزیر خود را به خانه دعوت کرد و با کارهای متفرقه او را

محمد! همانا امام کسی است که زبان هر یک از مردم و هم‌چنین زبان پرنده و هر جانداری را به خوبی بداند!

۲- «محمد بن مفضل» روایت می‌کند که در میان اصحاب ما در مورد مسح پا در وضو اختلاف صورت گرفت، بدین صورت که آیا مسح از سرانگشتان تا کعبین است یا بالعکس؟ سرانجام «علی بن یقظین» (وزیر هارون که از خواص امام کاظم علیه السلام بود و به دستور امام در جهت پشتیبانی از شیعه در دربار هارون با تقیه سپری می‌کرد) نامه‌ای در مورد کیفیت وضو و اختلافی که صورت گرفته بود به امام نوشت. عبارت او چنین بود: «جان ما فدای تو باد، به درستی که اصحاب در مسح پاها اختلاف کرده‌اند، اگر مصلحت می‌بینید آن را به خط مبارک خود بنویسید تا عمل من با آنچه شما به جا می‌آورید موافق باشد، انشاء الله.»

آن حضرت در پاسخ وی نوشت: «من به تو امر می‌کنم که در وضو سه بار آب در دهان کنی و سه بار آب در بینی و سه بار روی خود را بشویی و محاسن خود را خلال کنی و هر دو دست خود را تا مرفق سه بار و تمام سر و ظاهر هر دو گوش و

۱. اربلی، کشف الغمه، ج ۳، ص ۴۱؛ انتشارات ادب الحوزه، کتابفروشی اسلامی، با ترجمه علی بن حسین زوارنی؛ مفید، ارشاد، ج ۲، ص ۲۱۷؛ انتشارات علمیه اسلامی، چاپ دوم، مترجم سید هاشم رسولی محلاتی.

مشغول ساخت تا وقت نماز شد. «علی بن یقظین» حجره‌ای را که در آن بود، خلوت نموده و مهیای وضو گردید، هارون نیز از کنار دیوار او رازیر نظر داشت و وضو گرفتن او را به صورت کامل مشاهده نمود و به یقین رسید که علی بن یقظین بر مذهبی است که او بر آن است و با صدای بلند گفت: ای «علی بن یقظین» دروغ گفت آن که گمان کرد تو از روافض هستی. و ارادت هارون به او بیش از پیش گردید.

بعد از آن ماجرا، نامه‌ای از حضرت کاظم علیه السلام به علی بن یقظین رسید، به این مضمون که: در وضو ابتدا یکبار صورت خود را به قصد واجب بشوی و یکبار دیگر به قصد استحباب و دستهای خود را از مرفق این چنین بشوی و پیش سر خود را و ظاهر هر دو قدم خود را از بقیه تری وضوی خودت مسح کن؛ همچنان که خداوند متعال فرموده است. پس به تحقیق آنچه را بر تو می‌ترسیدیم زایل شد.^۱

در پایان با اشعاری در مدح امام موسی بن جعفر علیه السلام از کتاب خزائن الأشعار جوهری کلام خود را به پایان می‌بریم: پرسید عارفی که بگو کیست یار تو کز عشق او تو را دل پر غم در آذر است

گفتم به او، نشین و بشنو که یار من نور خدا و مظهر حق، عین داور است هم‌زاده نبی بود و بضعه بتول سبط نبی، ولی خداوند اکبر است سرّ علی، مقام جلی، نور منجلی هفتم امام حضرت موسی بن جعفر است آن موسی که موسی در طور کوی او منزل گرفته محو تجلای دیگر است از آدم و مسیح به درگاه جود او چشم امیدشان همه چون حلقه بر در است هفتم گهر که بعد از شش گوهر ثمین صلب مظهرش صدف پنج گوهر است ای آفتاب برج ولایت که آفتاب در پیش مهر رویت از ذره کمتر است آدم طفیل و اصل وجود تو زین سبب معلوم شد که علت غائی مؤخر است شاهها به غیر صادر اول که جد تو است عالم تمام مشتق و ذات تو مصدر است «ذاکر» تهی نموده دل از ذکر ماسوی جز ذکر تو که ذکر خدا و پیمبر است^۲

۱. همان، صص ۲۳-۲۵.

۲. مرحوم عباسی حسینی جوهری، خزائن الأشعار، ص ۶۴ انتشارات مسجد جمکران، چاپ سوم، ۱۳۷۸ ه.ش.